

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

بیستم می 2013

آرامش

هرگز پشیمان نیستم که لحظه های فروزنده هستیم در قربانگاه انتظار خاک شد و در یخبندان مهر تو هجوم امواج اشکم نایاب گشت.

یک روز ریشه های اصل محبت را در گلدان قلبم کاشتم و برایت هدیه کردم. هنوز در وسعت نردبان پیمان نرسیده بودی که آرامش روانت را با شکستن آن کاشی خوشرنگ عشق تجربه نمودی.

دستانم دیگر با عطوفت دستانت نمی آمیزد و چشمانم مجال نگریستن طلوع مهر ترا ندارد. ولی من در دنیای تاریک خویشتن با ابری اندوهبار ذلت، کتاب هستیم را صحافی نموده و با هجاهای نام تو صفحه آرائی مینمایم.

هرچند زمان وفاء و وصلت در تقویم سرنوشتم موعود نیست، ولی ناقوس دلم بی صدا نخواهد ماند و گنبد خاطره ها را گاهگاهی خواهد پیچید تا باورم نمائی.

آری! باورم نمائی که هنوز در کوره داغ مهر تو آبله های دردآلود قلبم گدازنده تر میشود و مرا به انزوای خاموش یادهایت میبرد و آوای گنگ من در سکوت تلخ دلم نابود میشود.

ای آفتابی تبار من!

بشنو که چگونه آیه های پاک وفايم از سطح هستی گران تا ژرف نیستی جاویدان، تکرار خواهد شد.

روز برگشت از غصه گاه قلب غمین و تنهایم نامت را مکرراً خواهی شنید. اگر صد بار بمیرم
برای آن روز به پا خواهم ستاد، که تو مُداوای درد تنهایی من هستی و چتر آرامشم از کاج بلند
قامتت، ستون استوار و پایدار میگیرد.

(ناهِید "غزل" غنی زاده)